

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی

گرایش اندیشه سیاسی

عنوان رساله

رهایی در پرتو نظریه هرمنوتیکی گفتگو  
"مورد مطالعاتی: اندیشه های دکتر علی شریعتی"

نام دانشجو: تورج رحمانی

استاد راهنما: دکتر مسعود غفاری

استاد مشاور(اول): دکتر حاتم قادری

استاد مشاور (دوم): دکتر احسان شریعتی

دی ماه ۱۳۹۹



باسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری  
دانشکده علوم انسانی

بدینوسیله گواهی می شود آقای تورج رحمانی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰ از رساله دکتری خود با عنوان: "رهایی در پرتو نظریه هرمنوتیکی گفتگو (مورد مطالعاتی: اندیشه های دکتر علی شریعتی) دفاع کرده است. اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا بررسی کرده و پذیرش آنرا برای دریافت درجه دکتری تخصصی (Ph.D) تأیید می نمایند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر مسعود غفاری	استادیار	
۲- استاد مشاور (اول)	دکتر حاتم قادری	استادیار	
۳- استاد مشاور (دوم)	دکتر احسان شریعتی	استادیار	
۴- استاد ناظر (داخلی)	دکتر عباس منوچهری	دانشیار	
۵- استاد ناظر (داخلی)	دکتر مصطفی یونسی	استادیار	
۶- استاد ناظر (خارجی)	دکتر محمد امین قانعی راد	دانشیار	
۷- استاد ناظر (خارجی)	دکتر هادی خانیکی	استادیار	
۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر جلیل دارا	استادیار	

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

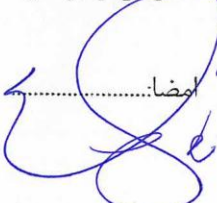
ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب **تورج رحمانی** دانشجوی رشته **علوم سیاسی** ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۷ مقطع **دکتری** دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه/ رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

تاریخ: ۱۳۸۷/۲/۲۰

امضاء: 

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته علوم سیاسی است که در سال ۱۳۹۱ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر مسعود غفساری، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر حاتم قادری و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر احسان شریعتی از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

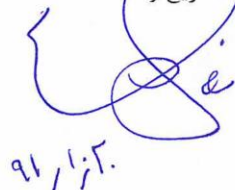
ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب تورج رحمانی دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:

تورج رحمانی

تاریخ و امضا:



۹۱/۱/۲۰

## تقدیم به

روان پاکِ پدرِ همسرم که فصلِ کوچِش مصادف شد با دوران تحصیل

همسرم یارِ زندگی بخش من در دوران تحصیل

فرزندم یونس بهار دوران تحصیل



## تقدیر و تشکر

با سپاس بیکران به درگاه خداوند منان که سعادت آن فراهم گردید تا روزی کار این رساله را آغاز کنم و روزی به پایان برسانم. پس از شکرگزاری به درگاه قادر متعال لازم می دانم مراتب قدردانی خود را به شرح ذیل اعلام نمایم:

از جناب آقای دکتر مسعود غفّاری استاد راهنمای این رساله به خاطر همه وقت‌هایی که از ایشان گرفتم، همچنین به خاطر دقت بالا و جدیت بسیار ایشان که موجب ارتقای سطح کار گردید صمیمانه سپاسگزاری می کنم. از جناب آقای دکتر حاتم قادری که مشاوره‌ی این رساله را پذیرفتند و فرصتی فراهم ساختند تا از دانش ایشان بهره مند گردم سپاسگزارم. از جناب آقای دکتر احسان شریعتی که با قبول مشاوره‌ی این رساله به اینجانب اعتماد کردند کمال قدردانی را به عمل می آورم و امیدوارم به این اعتماد آسیب نرسانده باشم. از اساتید بزرگوار آقایان دکتر عباس منوچهری، دکتر محمدامین قانع‌ی راد و دکتر هادی خانیکی به خاطر مطالعه‌ی این رساله و داوری آن و همچنین به خاطر ارائه نکات ارزشمند جهت رفع نقایص کار بی نهایت سپاسگزارم. بر خود لازم می دانم از دکتر مصطفی یونسی به خاطر فرصت‌هایی که برای گفتگو در اختیار من قرار دادند قدردانی کنم. باید از دوستان و آشنایانم که هنگام تحقیق همراه و مددکار من بودند صمیمانه تشکر کنم. در این بین قبل از همه باید از مادرم و مادر همسرم (که مادر خود می دانمش) به خاطر حمایت‌های بی دریغ شان سپاسگزاری کنم. از برادرانم سهیل و سیامک و خواهرانم شیوا و نغمه به خاطر حمایت‌هایشان بی نهایت ممنونم. دوستانی چون دکتر محمد توانا، دکتر مرتضا بحرانی، دکتر صمد ظهیری، و همکلاسی هایم آقایان دکتر یدالله هنری لطیف پور، دکتر محرم ظاهرخانی و دکتر لقمان کریمی نیز شایسته تقدیر هستند. چه که در طول دوره دکتری بسیار به آنها زحمت داده ام. از سرکار خانم مهدیه رحمانی به خاطر همه وقت‌هایی که در دوران رفت و آمدم به تهران در کنار همسر و فرزندم سپری کرد تا آنها تنها نباشند نهایت قدردانی را به عمل می آورم. از همه کسانی که در اینجا نامی از آنها نرفته ولی در پیشبرد کارها یار و یاور من بودند قدردانی می کنم و از اینکه نامشان آورده نشد پوزش می طلبم. در نهایت از همسرم سرکار خانم فاطمه رحمانی که در طول مدت تحصیل در کنارم بود و یاریم کرد و سختیها را برایم آسان نمود قدردانی می کنم. برای همه این عزیزان طول عمر همراه با عزت و تعالی را از خداوند منان مسئلت می نمایم.

## چکیده

مطالعه اندیشه های سیاسی در ایران خصوصا اندیشه های معاصر کمتر با دستاوردهای نظری نوین همراه بوده است. سوژه محوری و تأکید بر ذهنیت، سنتی غالب در مواجهه با اندیشه های سیاسی به شمار می آید. این پژوهش "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" را به منزله ی تجربه ای جدید در خوانش اندیشه های سیاسی معاصر در ایران مطرح می سازد. "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" برآنست که عقلانیت، آزادی و رهایی و به طور کلی دموکراسی در تعامل اجتماعی یعنی ارتباطات روزمره و گفتگو متجلی می شوند و نباید آنها را چون دکارت و سایر خردباوران محصول ذهن تنهای آدمی قلمداد نمود. بنابراین دو مقوله ی گفتگو و رهایی درونمایه های "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" را شکل می دهند. در این راستا گفتگو بنیاد عقلانیتی قرار می گیرد که عامل رهایی است. با توجه به چنین پیوند تنگاتنگی میان رهایی و گفتگو این تحقیق به تحلیل رابطه این دو مقوله در اندیشه های دکتر علی شریعتی می پردازد. از آنجایی که رهایی یکی از پروژه های اساسی شریعتی است و همچنین گفتگو معیار مهمی برای ارزیابی موقعیت یک اندیشه در شرایط کنونی تلقی می شود، نسبت سنجی این دو مقوله در نزد شریعتی اهمیت بالایی می یابد. این امر از جهاتی سنجش موقعیت اندیشه های وی در تعامل با اندیشه های امروز نیز محسوب می شود. بر این اساس تدوین نظریه هرمنوتیکی گفتگو و کاربرد آن برای بررسی نسبت گفتگو و رهایی در اندیشه شریعتی اهداف این پژوهش می باشند. در تدوین "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" هرمنوتیک فلسفی "گادامر و" تئوری کنش ارتباطی "هابرماس مدنظر می باشد و برای مواجهه با آثار شریعتی از رهیافت متنی و روش تاویل ژرفایی استفاده می گردد. در این روش محتوای پنهان نمادینی که در دسترس مؤلف نیست و همانا "قلمرو خارجی درونی" تلقی می شود مورد جستجو قرار می گیرد.

**کلید واژه ها:** گفتگو، رهایی، هرمنوتیک، زبان، ذهنیت، بینادذهنیت، علی شریعتی



## فهرست مطالب

### عنوان

فصل اول: مقدمه و کلیات طرح پژوهش.....	۱
مقدمه.....	۲
۲-۱- پیشینه پژوهش.....	۹
۳-۱- تعریف(بیان)مسئله.....	۲۱
۴-۱- سؤال پژوهش.....	۲۵
۵-۱- فرضیه پژوهش.....	۲۵
۶-۱- مفاهیم اساسی پژوهش.....	۲۵
۱-۶-۱- گفتگوی هرمنوتیکی.....	۲۶
۲-۶-۱- ذهنیت.....	۳۱
۳-۶-۱- بیناذهنیت.....	۳۳
۷-۱- اهداف پژوهش.....	۳۵
۸-۱- روش و رهیافت پژوهش.....	۳۶
۱-۸-۱- رهیافت متنی.....	۳۷
۲-۸-۱- شیوه کاربست رهیافت متنی در پژوهش.....	۴۲
۳-۸-۱- روش هرمنوتیک ژرفایی.....	۴۳
۴-۸-۱- شیوه کاربست روش هرمنوتیک ژرفایی در پژوهش.....	۵۰
۵-۸-۱- روش گفتگوی هرمنوتیکی: تصویر نهایی روش پژوهش.....	۵۳
۹-۱- ضرورت پژوهش.....	۶۲
۱۰-۱- نوآوری پژوهش.....	۶۲

## بخش اول: نظریه هرمنوتیکی گفتگو (آفاق و ابعاد نظری)

فصل دوم: سنت گفتگو..... ۶۵

۱-۲- پیش زمینه..... ۶۶

۲-۲- مروری بر پیشینه گفتگو..... ۶۹

۳-۲- گفتگو در اندیشه گادامر..... ۷۹

۴-۲- گفتگو در اندیشه هابرماس..... ۹۶

فصل سوم: از تلفیق نظریه ها تا تدوین نظریه هرمنوتیکی گفتگو..... ۱۱۷

۱-۳- گفتگو در ادغام افق گادامر و هابرماس..... ۱۱۸

۲-۳- نظریه هرمنوتیکی گفتگو: چارچوب نظری پژوهش..... ۱۲۹

۱-۲-۳- آفاق فلسفی نظریه هرمنوتیکی گفتگو..... ۱۳۱

۲-۲-۳- گفتگو از منظر نظریه هرمنوتیکی گفتگو..... ۱۳۴

۳-۲-۳- رهایی در پرتو نظریه هرمنوتیکی گفتگو..... ۱۴۰

۳-۳- جمع بندی..... ۱۴۹

## بخش دوم: اندیشه رهایی دکتر علی شریعتی

فصل چهارم: رهایی از آغاز تا پایان دوره مشهد..... ۱۵۲

۱-۴- پیش زمینه..... ۱۵۳

۲-۴- دوره جوانی..... ۱۵۸

۳-۴- دوره اروپا..... ۱۶۱

۴-۴- دوره مشهد..... ۱۶۵

۱-۴-۴- دوره چالش با تمدن مدرن..... ۱۶۹

۱۷۵.....	۲-۴-۴- انسان شناسی.....
۱۷۹.....	۳-۴-۴- رهایی.....
۱۸۴.....	۴-۴-۴- گامی به سوی تدوین استراتژی رهایی.....
۱۹۲.....	<b>فصل پنجم: رهایی در دوره حسینیه ارشاد.....</b>
۱۹۳.....	۱-۵- منطق درونی دوره حسینیه ارشاد.....
۱۹۵.....	۲-۵- دوره چالش با سنت.....
۲۰۰.....	۳-۵- گامی دیگر به سوی تدوین استراتژی رهایی.....
۲۰۳.....	۴-۵- بازخوانی تمدن مدرن.....
۲۰۷.....	۵-۵- انسان شناسی.....
۲۱۳.....	۶-۵- ایده های نو.....
۲۱۴.....	۱-۶-۵- عمل (پراکسیس).....
۲۱۷.....	۲-۶-۵- ایدئولوژی.....
۲۲۵.....	۳-۶-۵- روشنفکر (روشنفکری).....
۲۲۸.....	۷-۵- رهایی.....
۲۴۱.....	<b>فصل ششم: رهایی در دوره پایانی.....</b>
۲۴۲.....	۱-۶- منطق درونی دوره پایانی.....
۲۴۴.....	۲-۶- دوره فرا رفتن از سنت و تجدّد.....
۲۵۲.....	۳-۶- آگاهی و خودآگاهی.....
۲۵۴.....	۴-۶- زندانهای انسان.....
۲۵۶.....	۵-۶- ایده جدید.....
۲۶۲.....	۶-۶- رهایی.....

۲۶۷.....	۶-۷- نتیجه بخش دوّم: تصویر کلی اندیشه رهایی.....
	بخش سوّم: گفتگو در اندیشه رهایی شریعتی
۲۷۲.....	فصل هفتم: فازهای سه گانه تحلیل هرمنوتیک ژرفایی.....
۲۷۳.....	۷-۱- زمینه تحلیل گفتگو.....
۲۷۹.....	۷-۲- فاز اوّل تحلیل گفتگو.....
۲۹۳.....	۷-۳- فاز دوّم تحلیل گفتگو.....
۳۰۰.....	۷-۴- فاز سوّم تحلیل گفتگو.....
۳۰۸.....	فصل هشتم: موقعیت سنجی گفتگو در اندیشه رهایی شریعتی.....
۳۰۹.....	۸-۱- بازتفسیر فازهای سه گانه تحلیل.....
۳۱۲.....	۸-۲- اندیشه چند وجهی و چند لایه.....
۳۲۱.....	۸-۳- موقعیت گفتگو در اندیشه رهایی: تصویر نهایی.....
۳۳۳.....	فصل نهم: نتیجه پژوهش (ظرفیت سنجی باز تولید اندیشه های شریعتی).....
۳۳۴.....	۹-۱- ظرفیتهای درونی اندیشه.....
۳۳۸.....	۹-۲- شرایط و امکانات بیرونی.....
۳۴۶.....	فهرست مراجع.....
۳۶۵.....	چکیده انگلیسی.....

## فصل اول

### مقدمه و کلیات طرح پژوهش

## ۱-۱- مقدمه

بازخوانی، نقد و ارزیابی اندیشه‌ها در ایران از سنتی طولانی برخوردار نیست و سابقه‌ی چندانی ندارد. خوانش اندیشه‌ها تجربه‌ی تازه‌ای است و ما در آغاز چنین راهی هستیم. اگر چه نقل آرای مشارب و نحله‌های فکری، خاصه کلام و فلسفه در سنت ما وجود داشته است ولی آن سنت با آنچه امروز در حال تجربه است، متفاوت است. مواجهه با اندیشه‌ها و میراث فکری گذشته مبتنی بر این ایده صورت می‌پذیرد که زمان حال بر گذشته استوار است و بدون گذشته، حال قابل تصوّر نیست و همچنین عناصر سازنده‌ی فرهنگ و اندیشه و مناسبات امروز، برآمده از زمینه‌هایی است که پیشینیان فراهم کرده‌اند. این نگرش، زمینه‌ی تجربه‌ی نو در تفسیر و بازخوانی اندیشه‌های گذشته است.

در ایران دو یا سه دهه است که زمینه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی بازخوانی اندیشه فراهم شده است. از لوازم نضج و غنی‌تر شدن این سنت، آشنایی عمیقتر با نسبت اکنون و گذشته و همینطور تقویت سنت نقد است. بنابراین بازخوانی میراث فکری به عنوان تجربه‌ی تازه در آغاز راه و قطعاً بحث در خصوص شیوه‌های بازخوانی و نحوه‌ی مواجهه با آن نیز در ابتدای راه است. جدا از گونه‌شناسی روش‌های مواجهه با آثار و اندیشه‌های گذشته که خود مجال مستقل می‌طلبد ارائه‌ی دیدگاهی تازه برای مواجهه با اندیشه‌های گذشته و به کار بستن شیوه‌ی نو برای این کار نیز قابل توجه است. در این راستا پیش از مواجهه با یک اندیشه، طرح چارچوبی نظری که کار بست آن موجب تحقق یک مواجهه‌ی بدیع می‌شود ضروری است. این چارچوب نظری بن مایه‌ی رویکردی تازه به اندیشه است و کار بست آن خود موجب تحقق فهمی متفاوت از اندیشه خواهد شد.

این پژوهش به قصد ارائه‌ی شیوه‌ی تازه در مواجهه با میراث فکری گذشته صورت پذیرفته است. مفروض این رساله است که خوانش اندیشه‌های گذشته در ایران در آغاز راه به سر می‌برد و همچنین مواجهه با آثار و اندیشه‌های گذشتگان نیازمند تجربه‌ی شیوه‌های تازه و بدیع است. ضرورت تجربه‌ی نو از این روست که هر یک از شیوه‌ها به سهم خود ابعادی از میراث فکری ما را آشکار می‌سازند. پیشفرض‌هایی اینچنینی

طبیعتاً مسیر پژوهش را به سمت تدوین چارچوبی نظری به قصد مواجهه ای جدید و به دست دادن تجربه ای نو از رهگذر آن هدایت خواهند کرد.

حال با به دست دادن چنین پیشفرضی برای مواجهه با میراث فکری معاصرمان، می توان وارد بحث عملیاتی شد. برای به دست دادن رویکردی نو در مواجهه با میراث فکری گذشته، ضروری است بخشی از این میراث به عنوان مورد مطالعاتی انتخاب شود. به همین منظور اندیشه های دکتر علی شریعتی به عنوان جزئی از این میراث فکری انتخاب شده است. مواجهه با اندیشه های دکتر شریعتی به عنوان مورد مطالعاتی این پژوهش، مبتنی بر نظریه ای خواهد بود که با عنوان "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" ارائه می شود. "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" رویکردی بدیع و نو برای مواجهه با اندیشه های شریعتی است و این نوع مواجهه ابعاد جدیدی از اندیشه ی او را آشکار خواهد ساخت. مقصود از ابعاد تازه، آن وجه از اندیشه ی شریعتی است که تاکنون به جهت کاربرد روش های متداول توجهی به آنها نشده است و در نتیجه، مغفول مانده اند. در همین فصل و در قسمت تعریف مسئله، علّت انتخاب مورد مطالعاتی این پژوهش با استناد به دغدغه های موجود و همچنین چارچوب نظری، مفصّل تبیین خواهد شد.

اما پژوهش حاضر به سه بخش بنیادی تقسیم می شود و باید آنها را حلقه هایی تصور کرد که به هم متصل هستند و مجموعاً زنجیره ای سه حلقه ای می سازند. اما نقش بنیادی روش و رهیافت پژوهش حاضر قابل انکار نیست که در فصل اول رساله به طور مفصّل به آن پرداخته شده است. اگرچه مبحث روش و رهیافت در قالب یک بخش ارائه نمی شود اما در زنجیره ی این پژوهش خود حلقه ای مستقل است به این معنا که حلقه ی چهارم آن است و باید آن را از اجزاء اصولی این پژوهش به شمار آورد. بنابراین با احتساب مباحث روشی، این رساله زنجیره ای چهار حلقه ای است که روش و رهیافت، حلقه ی نخست آن را شکل می دهد.

حلقه ی دوم، بخش اول این رساله است که "طرح نظری" رساله را به تصویر می کشد. بحث از مبانی "چارچوب نظری" رساله و پاسخ به سوالات بسیاری پیرامون چنین طرحی و در نهایت تصویری از چگونگی شکل گیری "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" در اولویت قرار دارد. به همین منظور بخش نخست رساله به تدوین



"نظریه هرمنوتیکی گفتگو" و مباحث مربوط به آن می پردازد. حلقه ی سوم، بازخوانی اندیشه ی رهایی شریعتی است که بخش دوم این رساله را شکل می دهد. بازخوانی اندیشه ی شریعتی با هدایت و راهنمایی "نظریه هرمنوتیکی گفتگو" صورت می پذیرد. حلقه ی چهارم نیز تصویری از اندیشه ی شریعتی است که در پی پاسخ به مسئله ی اساسی این پژوهش ارائه می شود. این همان بخش سوم یا بخش پایانی رساله است که با توجه به دستاوردهای بخش اول و دوم به تفسیر تفسیر<sup>۱</sup> اندیشه ی شریعتی می پردازد.

آنچه ذکر آن به عنوان یک مقدمه و پیش از ورود به بحث اصلی لازم می نماید این است که در پژوهش حاضر تلاش می شود با اتخاذ رویکردی متفاوت در مواجهه با اندیشه های دکتر علی شریعتی به عنوان بخشی از میراث فکری گذشته مان، نقد و ارزیابی را به شکلی کاملاً فنی و تکنیکال تجربه کنیم. نقد و ارزیابی اندیشه های معاصر، امر مطلقاً تازه ای نیست اما ادعای اینکه شیوه های پیشین کمتر از ویژگی های فنی و تکنیکی برخوردارند و اینکه شیوه ی این پژوهش کاملاً بر مدار فن و تکنیک حرکت می کند تازه است و باید در عمل ثابت شود. آنچه در این پژوهش امکان نقد و ارزیابی فنی اندیشه های شریعتی را فراهم می سازد روش و رهیافت اتخاذ شده و همچنین آن "طرح نظری" است که هدایتگر مواجهه محسوب می شود. بنابراین تلاش در جهت هموار ساختن مشکلات کاربرد روش این پژوهش و همچنین مسائل تدوین طرح نظری به صورتی که خواهد آمد به این خاطر بوده که در نهایت خوانش، نقد و ارزیابی اندیشه ی شریعتی به صورت فنی و تکنیکی صورت پذیرد.

در اینجا به عنوان یک بحث مقدماتی باید اظهار داشت اندیشه های شریعتی از بخشهای مهم میراث فکری معاصر ایران است. اکنون که تلاش شده است در این رساله اندیشه هایش بازخوانی شود از پایان فعالیت های فکری او که همزمان با پایان حیاتش بود سی و پنج سال می گذرد. حال "شریعتی برای ما یک سنت، یعنی متن و روش است. مهم این است که چگونه با این سنت نسبت درست برقرار کنیم تا جوهرش حفظ شود و زنده بماند و در این نوزایی، نقادی شود بی آنکه هویت اش از میان برود.<sup>۲</sup> اندیشه های شریعتی در زمان خود

---

<sup>۱</sup>-Re-Interpretation

<sup>۲</sup>- احسان شریعتی، حقیقت و ناکامی "دموکراسی متعهد"، روزنامه شرق، ۱۳۸۶، ۲۴ تیر

بیشترین تأثیر را بر جامعه‌ی ایران داشته است و زمینه‌های فکری یکی از بزرگترین تحولات مدنی یعنی انقلاب ۱۳۵۷ ایران را فراهم ساخته است. تأثیر گذاری اندیشه‌ی شریعتی بر جامعه‌ی ایران تداوم داشت و پیروان فکری وی به استناد افکار او موجب حوادث و رویدادهای قابل ملاحظه‌ای بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران شدند. اندیشه‌ی شریعتی اکنون به مثابه‌ی میراثی فکری پیش روی ماست. این اندیشه از جهتی بخشی از تاریخ ماست و نمی‌توان آن را انکار کرد و از آنجایی که امروز ما ریشه در تاریخ ما دارد بنابراین اندیشه‌ی شریعتی، امروز ما نیز هست.

دوران زندگی شریعتی شاهد پیدایش نحله‌های مختلفی بود که هر یک بحث‌های مربوط به خود را داشت. بستر دوران اندیشه‌ورزی شریعتی از عناصر پراکنده و متکثری تشکیل می‌شد. اگر چه می‌توان این بستر را در هر یک از ابعاد فکری، سیاسی و فرهنگی به طور جداگانه مورد مطالعه قرار داد ولی ابعاد مذکور، وضعیت درهم تنیده‌ای داشته و در عمل جدا از هم نیستند. این دوران، فعالیت‌گروه‌های مختلف مارکسیستی و همچنین فعالیت‌گرایش‌های اعتقادی متفاوتی را ثبت کرده است. با تقویت روزافزون گرایش‌های اعتقادی، برخی نظریه‌ها و ایده‌ها نیز در حال تثبیت بودند و حتی به عنوان وجه مشترک این گرایش‌های اعتقادی گوناگون و متضاد به حساب می‌آمدند. ایده‌هایی چون "قطعیت‌گرایی"، "تقدیس علم" و "تجددگرایی" از این موارد بودند. آموزه‌های التقاطی نیز رونق بسیاری داشتند. از مصادیق چنین آموزه‌هایی می‌توان به تفسیرهای التقاطی اسلام و مارکسیسم اشاره کرد که به اشکال مختلف صورت می‌پذیرفت. لیبرالیسم و تفسیرهای گوناگون از آن نیز همچون مارکسیسم در این دوران از پویایی برخوردار بود. بخشی از تبلور لیبرالیسم در این دوران مربوط به تفسیرهای التقاطی بود. به گونه‌ای که عناصری از آن در کنار برخی عناصر آموزه‌های دیگر سنتز جدیدی به دست می‌دادند.<sup>۱</sup>

اما ویژگی‌های بستر اندیشه‌ورزی شریعتی از چشم‌اندازی جهانی نیز قابل بررسی است. ویژگی‌های این بستر از چشم‌اندازی با محدودیت‌های جغرافیایی و ملی قطعاً تفاوت‌هایی با چشم‌انداز جهانی آن خواهد

<sup>۱</sup> - علی‌داری، جریان‌شناسی سیاسی در ایران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۹، ص ۶۱-

داشت. این بستر در هیبت جهانی از ابعاد عملگرایانه ای برخوردار بود. در این فضا مرز میان کارِ روشنفکری و فعالیت فلسفی قابل تمایز نبود. در این فضا عدالت، برابری نژادی و آزادی از مهمترین بحث‌ها بودند و حتی گرایش به نیهیلیسم در سطح نخبگان از مشخصه‌های مهم آن به شمار می‌رفت. فضای فکری در آن دوره در دست روشنفکرانِ چپ بود و از این رو، ارزش‌هایی مانند دموکراسی، دغدغه‌ی جدی روشنفکران به حساب نمی‌آمد. در چنین فضایی، دموکراسی خود یک ایدئولوژی بود و رقیبی برای ایدئولوژی‌های دیگری چون مارکسیسم، لنینیسم، مائوئیسم و... به شمار می‌رفت و فراتر از ایدئولوژی‌ها فهم نمی‌شد. در این دوران روشنفکران همچون تماشاگران تنها به نگرستن مشغول نبودند بلکه عملاً وارد مبارزه شده و در پیدایش و تکوین جنبش‌های رهایی‌بخش نقش جدی داشتند. فهم فضای روشنفکری ایران در زمانه‌ی شریعتی بدون فهم فضای روشنفکری جهانی در این دوره ممکن نیست. نکته قابل توجه اینکه فضای معرفتی این دوره از عناصر گوناگون و نسبتاً متعارضی تشکیل می‌شد و در سپهر روشنفکری ایران نسبت به چنین عناصری برخورد گزینشی صورت می‌گرفت. به این معنا که به برخی از این عناصر توجه بیشتری می‌شد. بر اساس همین واقعیت در فضای روشنفکری ایران در این سالها به نیچه و سارتر و هگل و گفتمان شولز... توجه وسیعی شده است.<sup>۱</sup>

شریعتی در چنین بستری به تلاش فکری می‌پرداخت و به عنوان یک روشنفکر شناخته شده بود. اگر چه می‌توان او را با توجه به تقسیم‌بندیهای موجود در سپهر روشنفکری ایران در ردیف روشنفکران دینی قرار داد.<sup>۲</sup> روشنفکران دینی همان کسانی بودند که عنصر تاریخت را وارد فهم دین کردند. شریعتی خود در این زمینه نقش بسیار برجسته ای داشت.<sup>۳</sup> این روشنفکران دینی بودند که وام کردن از اندیشه‌های دیگر را در یک جامعه دینی ماکسیمالیست که فکر می‌کند چون دین دارد پس همه چیز دارد، مباح و مجاز کردند. در چنین جامعه ای از دیگران گرفتن و اقتباس کردن حرام شمرده می‌شود. اما روشنفکران دینی این راه را باز

---

<sup>۱</sup> - علی میرسپاسی، اخلاق در حوزه عمومی: تأملاتی در باب ارزشها و نهادهای دموکراتیک، نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳  
<sup>۲</sup> - این موضوع خود می‌تواند محل مناقشه باشد. چرا که این تقسیم‌بندی‌ها جنبه‌ی اعتباری و قراردادی دارد به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران یا به تقسیم‌بندیهای متفاوتی معتقدند و یا حتی چنین تقسیم‌بندیهایی را نمی‌پذیرند و مورد تأیید قرار نمی‌دهند.  
<sup>۳</sup> - عبدالکریم سروش، از شریعتی، موسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴

کردند و به مردم گفتند که می‌توانند دیندار باشند در عین حال به تجدد، به مغرب زمین و اندیشه‌های نو هم "بله" بگویند. دنیوی کردن دین یا آشتی دادن اسلام و مدرنیته همان عرصه فراخی است که جهاد پیشین شریعتی و جهد امروز پاره‌ای از نواندیشان را در یک راستا و ردیف قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

بنابراین روشنفکران دینی از یک سو عنصر اساسی بستر و زمینه‌ی فرهنگی ایران یعنی دین را جدی گرفته و حفظ کردند و از سوی دیگر افق خود را به روی اندیشه‌های نو بازگذاشته و نقد و ارزیابی دین و سنت را ممکن دانستند. به نظر می‌رسد بتوان انتخاب مورد مطالعاتی این پژوهش را با توجه به ویژگی‌های جریان روشنفکری دینی و با توجه به نقش اساسی شریعتی در این جریان فکری و تاریخی توجیه کرد.

مبتنی بر آنچه گذشت باید اذعان داشت در سی و پنج سال اخیر اندیشه‌های شریعتی از زوایای مختلف و به اشکال گوناگون مورد تفسیر و بازخوانی قرار گرفته است. اما تداوم بازخوانی اندیشه‌های شریعتی به جهت پاره‌ای از مسائل همچنان ضرورت دارد. این ضرورت یحتمل در نتیجه‌ی پژوهش حاضر اثبات خواهد شد. اما از مسائل پیشدست که به ضرورت بازخوانی آثار شریعتی دلالت می‌کند غلبه‌ی "رویکرد ذهنیت محور" بر سپهر معرفت‌شناسی معاصر است. علاوه بر مشکله‌ی ذهنیت به مثابه‌ی رویکرد غالب در طول این دوره سی و پنج ساله (که در فهم اندیشه‌ی شریعتی موجد محدودیت‌های قابل توجهی بوده و مانع از آشکارگی برخی لایه‌ها و سطوح اندیشه‌ی وی شده است) بسیاری از تفسیرهایی که در همین فضای معرفتی ارائه شده در به دست دادن فهمی درست از ابعاد آشکار اندیشه‌ی وی نیز ناتوان بوده‌اند.

به منظور روشن شدن این مسئله می‌توان به تفسیرهایی اشاره کرد که از ایدئولوژی شریعتی صورت گرفته است. تفسیرها و نقدهایی که در این زمینه ارائه شده با سوء برداشتهای هرمنوتیکی جدی روبرو بوده است. از یک منظر، مفهوم ایدئولوژی در روزگار ما در چهار گفتمان مورد استفاده قرار گرفته است که عبارتند از: ۱- گفتمان مارکس که ایدئولوژی را به معنای فریب دوران تعبیر می‌کند ۲- گفتمان مارکسیست-لنینیستی که ایدئولوژی را به معنای راهنمای عمل می‌داند ۳- گفتمان لیبرالیستی که ایدئولوژی را سیستم نظری بسته و

---

<sup>۱</sup> - عبدالکریم سروش، همان، ص ۴

غیرانتقادی می‌داند که در پی تغییر یا حفظ وضع موجود است تا شناخت و تفسیر آن<sup>۴</sup>-گفتمان نئومارکسیستی که ایدئولوژی را نظام ارزشی و بایدها و نبایدهایی که نمی‌توان از آن فارغ بود تلقی می‌کند.<sup>۱</sup> تفسیرهایی که از اندیشه شریعتی در باب ایدئولوژی صورت پذیرفته است در هر صورت به یکی از گفتمانهای بالا تمایل دارند. به عبارتی تفسیرهای موجود، فهم شریعتی از ایدئولوژی را در قالب یکی از گفتمان‌های بالا قرار می‌دهند.

اما از طرفی در خصوص دریافت شریعتی از ایدئولوژی روایتی به شرح ذیل نیز وجود دارد: "شریعتی تعریفی از ایدئولوژی ارائه می‌کند که همه اقوال و دیدگاههای مدعیان اندیشه‌ی صرف و رها از ایدئولوژی را در برمی‌گیرد. از نگاه وی، ایدئولوژی دارای سه عنصر است: نخستین ویژگی جهان بینی است که به معنی تفسیر و تعبیر آدمی از جهان است که بر مبنای آن می‌توان مدلی برای اداره‌ی جامعه ارائه کرد. جهان‌بینی مقدمه‌ی ارزشیابی از مقوله‌های مختلف انسانی است تا بر اساس آن، راه حل مناسبی برای زندگی به دست آید. پس سه عنصر جهان‌بینی، ارزشیابی و راه حل را می‌توان عناصر سه‌گانه‌ی ایدئولوژی از نگاه شریعتی بیان کرد. با این نگاه، همه مکاتب دارای ایدئولوژی هستند و نمی‌توان مکتب خاصی مانند لیبرالیسم را بی‌بهره از ایدئولوژی دانست.<sup>۲</sup>

طبق روایت بالا برخلاف بسیاری از تفاسیری که از اندیشه‌ی شریعتی صورت گرفته است او "مفهوم ایدئولوژی را در هیچ یک از گفتمانهای رایج به کار نبرده بلکه آن را در معنای خاص خودش به منظور بیان وصف اساسی سرشت و حقیقت سنت تاریخی و تقریباً مترادف با معانی حکمت شرقی، سوفیای یونانی یا ویدیای هندی و به تعبیر دیگر در معنای خودآگاهی انسانی و اجتماعی به کار برده است.

بنابراین تفسیرها و نقدهای وارد شده به شریعتی درباره ایدئولوژی دارای ویژگی عدم برقراری گفتگو با اندیشه‌های او و فهم ناقص از این مفهوم هستند. غالب این نقدها ایدئولوژی را از سیاق، گفتمان و افق

---

<sup>۱</sup>- عماد افروغ، ضرورت بازخوانی، گونه‌شناسی و بسط پرسش‌ها و پاسخ‌های شریعتی، ماهنامه نسیم بیداری، سال اول، شماره هفتم، خرداد ۱۳۸۹

<sup>۲</sup>- عماد افروغ، همان